

# گلشانه

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

یکشنبه ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۳ / سال بیست و ششم / شماره ۲۸۲۷ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

سرای فرهنگ و رسانه برگزار می‌کند

## دوره‌های فرهنگی

نشست دوازدهم

گفتگمانی پیرامون

جراحی و اهمیت

# روزشمار

با تاکید بر روزی به نام گرگان

مکان: گرگان، خیابان ۵ آذر، کوچه آذر ۱۴، مهر مادران

زمان: یک شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۳ ساعت ۱۸:۳۰

بی احتیاطی عامل  
حوادث اخیر آبشار شیر آباد

قرارداد پژوهش ۱۰۰ میلیارد ریالی  
دانشگاه علوم کشاورزی با بخش صنعت

قطعی برق  
بلای جان پنبه کاران

حاکمیت دموکراسی  
در انتخاب استاندار گلستان

اعتماد دستگاه‌ها و بانک‌ها  
به تعاونی‌ها افزایش یابد

دلان زنگزور و چهره جدید  
ژئوپولیتیک قفقاز

## به یاد استاد دکتر زرین کوب



■ بامسؤولیت سردبیر

بیست و چهارم شهریور ماه سالروز مرگ استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب پژوهشگر، نویسنده، تاریخدان و ادیب ایرانی بود، او که سالها در پژوهش تاریخ اسلام و ایران و در کنار آن به پژوهش در زندگی حضرت مولانا و غزالی و حافظ گذراند و بسیار نوشت و حاصل آن آثاری چون سرنی، پله پله تا ملاقات خدا، بحر در کوزه، فرار از مدرسه، جستجو در تصوف ایران، با کاروان حله در کنار دهها آثار تاریخی که مشهورترین آن دو قرن سکوت در تاریخ ایران و اسلام است که البته گویا بعدها از برخی دیدگاهها و نظرات در آن عدول کرده بودند اما به هر حال کتابی است خواندنی با قلمی شیوا و روان که دوره جنگ ایران با اعراب را به تصویر کشیده است، اثری که با نقد استاد مطهری و فریدون آدمیت همراه بود، استاد شهید مطهری در موخره کتابسوزی ایران و مصر با نقد کتاب استاد زرین کوب برخی منابع کتاب را غیر قابل وثوق میدانند و به آنها خرده گرفته است و دکتر آدمیت نیز آن را رونویسی از آثار دیگران میخواند اما هر چه هست و هر چه بود از استاد دکتر زرین کوب دهها صفحه نوشته و مطلب برای ما به یادگار مانده است، آثاری که هم اینک نیز همگان می خوانند و در آن دقت می کنند و می کوشند آن را برای دیگران تبیین کنند، اما مساله آن است که از شخصیتی مانند زرین کوب دهها هزار کلمه در طول هفتاد و شش سال زندگی بر جای مانده است، اینک من و شما باید از خود بپرسیم از ما چه چیزی باقی خواهد ماند، ایا اصولا چیزی به خیر و نیکیبختی از ما خواهد ماند؟ آیا در پایان راه جز حسرت گذشته چیزی در انبان ما خواهد بود؟ تا وقت هست برای ارتقاخیر و فضیلت در خود بکوشیم که روزگار با هیچکس سر تعارف نداشته است. یاد استادان اندیشمندی مانند زرین کوب، آدمیت و مطهری گرامی باد.

# فقر فرهنگی



مردم این موارد را رعایت می‌نمایند تا هم جریمه نشوند و هم از چهره زیبای شهر حفاظت نمایند. اکثریت مردم ما سعی می‌کنند که مقصری برای آلودگی هوا و زیبا نبودن چهره شهر و جنگلهای هیرکانی پیدا کنند ولی چرا هیچ وقت به خودمان نگاه نمی‌کنیم که شاید مقصر اصلی خود ما باشیم؛ پس باید نریختن زباله را به یک فرهنگ تبدیل کرد تا فرزندان آینده از نبود هوای پاک و محیط و جنگل زیبا رنج نبرند. در کشور ما ریختن آشغال و زباله در طبیعت و جنگل و آلوده ساختن منابع آب و خاک و رودخانه ها امری عادیست و هیچ برخوردی از طرف مردم و مسئولین صورت نمی‌گیرد. آیا این فرد همین رفتار ناپهناجر با طبیعت را میتواند در یک کشور پیشرفته نظیر سوئیس و یا فنلاند و نروژ انجام دهد یا آشغال و زباله در معابر عمومی و رودخانه ها رها کند؟ جواب قاطعانه خیر است. با اولین برخورد از طرف مردم همان محل مواجه میشود پس به خودش اجازه انجام چنین رفتاری را نمیدهد، از همه اینها مهمتر فرهنگ سازی از طریق رسانه ها، خانواده، مدرسه، نهادهای شهری و استانی نظیر شهرداریها و محیط زیست و منابع طبیعی است. به امید آنکه کمی مسئولانه تر رفتار کنیم و به پاک ماندن طبیعتمان کمک نماییم و این حرکت را از خود و خانواده خود و کودکانمان شروع نماییم.

خادم طبیعت

محمد اسماعیل اسدی- رها سازی پسماند و زباله در جنگل و طبیعت یکی از معضلات زیست محیطی است چون علاوه بر اینکه چهره زشتی به طبیعت می‌دهد همچون طغی بر پیشانی محیط‌زیست و جنگل خواهد ماند و نه تنها ما، بلکه به پایداری سرزمین و نسل‌های آینده نیز خسارت وارد خواهد نمود. آخرین روزهای گرم تابستان و حلاکثر استفاده گردشگران از منابع طبیعی کشور بهانه‌ای شد تا پای صحبت‌های محمداقا یکی از پاکبانان شریف و زحمتکش پارک‌جنگلی هیرکانی النگدره گرگان واقع در قلب شهر و مرکز استان گلستان بنشینیم و گزارشی از بلاهایی که در این ایام برخی گردشگران سر این یادگار عصر یخبندان و طبیعت زیبای آن می‌آورند، تهیه کنیم. اگر چه فرهنگ ریختن آشغال در طبیعت در پارک‌جنگلی هیرکانی النگدره گرگان یا فسیل زنده پنجاه میلیون ساله نسبت به گذشته که در این پارک خودروها تردد داشتند بهتر شده اما هنوز هستند کسانی که راحتی خود را بر تخریب محیط زیست ترجیح می‌دهند و بدون ملاحظه آشغال های خود به ویژه بطریهای پلاستیکی آب را در طبیعت رها می‌کنند. واقعیت این است که در کنار مسؤلیت فردی شهروندان و گردشگران در فرهنگ نریختن زباله، مسؤلان و سازمان‌های مختلف نیز وظیفه دارند برای فرهنگ‌سازی اقدام نمایند. از مسؤلان این توقع وجود دارد

که نسبت به مسئله محیط زیست و جنگل فعالیت‌های بیشتری داشته باشند. با وضع قوانین و ایجاد آموزش‌های گوناگون، مردم را نسبت به نریختن زباله آگاه کنند. مسؤلان با اجرا کردن قوانین و فرهنگ‌سازی درست و آموزش مستمر و شهروندان جامعه با رعایت کردن مداوم و احساس وظیفه نسبت به فرهنگ نریختن زباله هر دو می‌توانند با همکاری یکدیگر این فرهنگ پسنندیده را در جامعه نهادینه نمایند. ما باید بپذیریم که نسبت به محیط زیست و سلامتی شهرمان مسؤل هستیم. ما باید خودمان توقع داشته باشیم که همچون منزل و محیط کار خود نباید در معابر و طبیعت آشغال بریزیم. پذیرش این وظیفه، به مرور موجب خواهد شد که تمام افراد نسبت به نریختن زباله احساس مسؤلیت پیدا کنند. زمانی که سخن از فرهنگ می‌شود افراد به فرهنگ ایران زمین و تاریخ ۲۵۰۰ ساله خویش و امپراتوری هخامنشیان



# بی احتیاطی عامل حوادث اخیر آبشار شیر آباد



دیدگی از چند ناحیه بود. توصیه اصلی کارشناسان هلال احمر به مسافران هنگام حضور در تفرجگاه‌ها، مراقبت بیشتر است و از آنان می‌خواهند از رفتن به مناطقی که از توانشان خارج است خودداری کنند. فرماندار رامیان هم علت سه مورد سقوط در آبشار شیرآباد را بی احتیاطی افراد حادثه دیده اعلام کرد و گفت: یکی از این حوادث منجر به فوت شد و ۲ مورد دیگر مصدومیت به همراه داشته است. علی جوان حاذق‌خواه افزود: این آبشار در اختیار شهرداری خان‌ببین است و شهرداری مناسب‌سازی‌ها را با نصب علامت‌های هشدار دهنده و ایمن‌سازی محیط انجام داده به طوری که به گفته گردشگران، تعداد زیاد این علامت‌ها بر زیبایی طبیعت آن تأثیر گذاشته است. وی با اشاره به اینکه نیروی انتظامی، کارمندان شهرداری و نجات غریق با توجه به جمعیت بالای بازدیدکننده در آبشار شیرآباد مستقر هستند، افزود: مصدومان این منطقه بر اثر بی احتیاطی دچار مشکل شدند چرا که به هشدارها مبنی بر ممنوعیت شیرجه زدن و شناکردن توجه نمی‌کنند و با حضور در ارتفاع و انجام رفتارهای هیجانی، باعث بروز حوادث تلخ می‌شوند. فرماندار رامیان تأکید کرد: دادستان مرکز استان در بازدید از آبشار شیرآباد اعلام کرد کم‌کاری از طرف دولت و کارگزاری و مسوولان در این حادثه‌ها وجود ندارد و دلیل حوادث فقط بی احتیاطی مردم است.

حوادثی جبران ناپذیر می‌شود. طبق اعلام جمعیت هلال احمر گلستان، از ابتدای امسال تا ۱۸ شهریور ۲۲ مورد حادثه سقوط از آبشار در استان اتفاق افتاد که ۱۴ نفر در این حوادث مصدوم شدند و چهار نفر هم جان خود را از دست دادند که بیشترین این حوادث با هشت مورد مربوط به آبشار شیرآباد خان‌ببین است. به عنوان نمونه شهریورماه سه مورد حادثه در آبشار شیرآباد رخ داد که یکی منجر به فوت شد و ۲ مورد دیگر جرحی بود. مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر گلستان ۱۴ شهریور از غرق شدن مسافر ۴۷ ساله اهل سبزوار استان خراسان رضوی در آبشار شیرآباد شهر خان‌ببین خبر داد و اعلام کرد: بلافاصله یک تیم از پست موقت امدادونجات تابستانه دلند برای تثبیت صحنه حادثه و پشتیبانی عملیات به محل اعزام شد. قاسم غریب آبادی افزود: فرد غرق شده که بر اثر شیرجه زدن در آبشار و شدت ضربه به سر جان خود را از دست داد توسط عوامل آتش نشانی از آب بیرون کشیده شد. همچنین طبق گزارش هلال احمر، سقوط جوان ۳۰ گرگانی از ارتفاع، حادثه بعدی شهریور در آبشار شیرآباد خان‌ببین بود و وی با آسیب دیدگی از ناحیه پا بعد از ۶ ساعت تلاش به پایین دست انتقال یافت. آخرین حادثه شهریور در آبشار شیرآباد مربوط به سقوط مسافر ۷۵ ساله مشهدی از ارتفاع اول آبشار شیرآباد و آسیب

آبشار شیرآباد خان‌ببین جاذبه پرطرفدار برای مسافران گردشگردان داخلی و خارجی به‌خصوص در فصل بهار و تابستان به شمار می‌رود اما بی احتیاطی برخی افراد، این منطقه را به جاذبه‌ای پرخطر تبدیل کرده است که فقط در شهریور امسال یک گردشگر هنگام شیرجه‌زدن از ارتفاع به کام مرگ رفت و ۲ مسافر دیگر به شدت مصدوم شدند. به گزارش ایرنا، گلستان با طبیعت سرسبز و وجود جنگل‌های هیرکانی در کنار جاذبه‌های آبی زیادی مانند آبشارها، رودخانه‌ها و آب‌بندها به‌عنوان انتخاب نخست فصل تابستان گردشگران است اما کنجکاوی و رفتارهای هیجانی، این لحظات خاطره‌انگیز را برای برخی مسافران تلخ می‌کند. آبشارها و چشمه سارهای فراوان، گلستان را به سرزمین آبشاران معروف کرده چرا که شیب تند رشته کوه‌های البرز، آبشارهای کوچک و بزرگ بسیاری را در این استان به‌وجود آورده که از نواحی مختلف سرازیر شده و باعث شکل دادن جلوه‌های زیبایی از طبیعت شده است. گردشگران هنگام حضور در آبشارها از جمله آبشار شیرآباد که مجموعه‌ای از هفت آبشار کوچک و بزرگ است و دیدن طبیعت جذاب آن، خاطراتی زیبا را برای خود خلق می‌کنند اما عده‌ای هم با وجود نصب علائم هشدار مبنی بر ممنوعیت شیرجه از روی بی احتیاطی و رفتارهای هیجانی اقدام به این کار می‌کنند که باعث بروز



پسماند و پالایش نفتی ایده‌ها و طرح‌های تخصصی خود را ارائه کرده و کارهای اجرایی و مطالعاتی انجام می‌دهند. وی با بیان اینکه قراردادهای پژوهشی و اجرایی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان در سال گذشته ۷۰ میلیارد ریال بود، افزود: برای تقویت ارتباط دانشگاه با صنعت نیز اقدامات بسیار خوبی انجام شده و قراردادهای مطالعاتی و اجرایی با بخش صنعت در حال انجام است. رییس دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان با بیان اینکه یکی از رویکردهای اصلی این دانشگاه، برگزاری دوره‌های مهارتی است، تأکید کرد: دانشگاه مهارت‌محور یکی از شعارهای اصلی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی است و در این بخش تأمین زیرساخت‌ها و برگزاری دوره‌های مختلف در دستور کار قرار گرفته است. شتایی اضافه کرد: دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان سال گذشته با برگزاری نزدیک به ۲۵۰ دوره تخصصی و عمومی جزو پنج دانشگاه برتر کشور در برگزاری دوره‌های

## قرارداد پژوهش ۱۰۰ میلیارد ریالی دانشگاه علوم کشاورزی با بخش صنعت

رییس دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان با اشاره به ورود اساتید این دانشگاه برای حل معضلات و مشکلات جامعه، گفت: امسال رقم قراردادهای اجرایی و پژوهشی این مرکز آموزش عالی با بخش صنعت و دستگاه‌های اجرایی به ۱۰۰ میلیارد ریال رسید. به گزارش روابط عمومی، شتایی شتایی اظهار کرد: اساتید دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان در بخش‌های گوناگون از جمله خلیج گرگان، آتش‌سوزی، گرد و غبار،

## انتقاد رئیس شورای اسلامی شهر گرگان از پایین بودن سرانه‌های اختصاص یافته به شهروندان گرگانی

علی مکتبی - حمیدرضا آقاملائی، رئیس شورای اسلامی شهر گرگان در جلسه صحن شورا که با حضور سنگدوینی نائب رئیس کمیسیون انرژی و نماینده مردم گرگان و آق‌قلا در مجلس شورای اسلامی، مهابی معاونت عمرانی استانداری گلستان، فرماندار گرگان، مدیران شهری و جمعی از خبرنگاران برگزار شد، از پایین بودن میزان سرانه اختصاص یافته به شهروندان گرگانی از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان انتقاد کرد. او تأکید کرد با وجود اینکه گرگان دومین شهر پرجمعیت در شمال و شمال‌شرق کشور محسوب می‌شود اما میزان اعتباراتی که به این شهر در حوزه‌های مختلف اختصاص داده شده است، تناسب چندانی با جمعیت آن ندارد. آقاملائی تصریح کرد: براساس بررسی‌های انجام شده اعتبارات اختصاص یافته به شهرستان گرگان در مقایسه با شهرستان‌های دیگر در استان گلستان پایین‌تر بوده و گرگان تقریباً در رده‌های آخر قرار دارد.



خبر

قاتل جوان ۲۱ ساله گلستانی در آستانه قصاص بخشیده شد



رئیس کل دادگستری گلستان گفت: خانواده یک جوان گرگانی که فرزند آن‌ها سه سال قبل در نزاع خیابانی کشته بود، در آستانه اجرای حکم قصاص، با پادرمیانی دادستانی از اجرای حکم منصرف شده و قاتل را بخشیدند. به گزارش روابط عمومی، حیدر آسیابی اظهار کرد: محکوم به قصاص سال ۱۴۰۰ در یک نزاع خیابانی، مرگ جوان ۲۱ ساله را رقم زده بود. وی بیان کرد: به درخواست اولیای دم، پس از تشکیل و رسیدگی پرونده، حکم قصاص صادر شد و با طی تشریفات قانونی در نوبت اجرا قرار گرفت. آسیابی ادامه داد: در این ملت، نشست‌های مختلفی با اولیای دم برای گذشت از قصاص برگزار شد اما نتیجه بخش نبود. وی افزود: در آستانه اجرای حکم قصاص، بار دیگر نشست با اولیای دم برگزار شد و این بار با پادرمیانی دادستان مرکز استان و قضات اجرای احکام، اولیای دم بزرگوارانه از حق شرعی و قانونی خود گذشتند و از اجرای قصاص منصرف شدند.

روشی که پیش از این در استان وجود نداشته و اولین بار تجربه می‌شود، شاید این روش بی نقص نباشد اما آغاز کننده یک روش الگویی برای دیگر انتصابات درون استان می‌تواند باشد. منتقدین می‌توانند گزینه‌های نهایی این شورا را قبول نداشته باشند ولی نمی‌توانند این شورای انتخاب‌استاندار را از پایه بی اعتبار جلوه دهند چون این جمع عصاره‌ای از نخبگان استان با احتساب پراکندگی در نظر گرفته شده است. و تخریب افراد حاضر که حق‌رای داشتند تنها می‌تواند مغرضانه و باعث سوزاندن سرمایه‌های استان شود. رقابت‌های عادلانه از اصلی‌ترین روندهای موجود در دموکراسی‌هاست. در دموکراسی نظم قوانین حاکم است. حال باید پرسید مخالفین این شورا چگونه می‌توانند شورایی جامع‌تر و با مشروعیت بالاتر گرد هم آورند و یا باچه ملاک و ساز و کار بهتری گزینه‌های استاندار را غربال نمایند. در نهایت باید پرسید فی‌نفسان (مردم استان گلستان، لیدرهای دکتر پزشکیان در استان) کدام یک از ۳ روش ذکر شده در انتخاب استاندار را می‌پسندند. براساسی کدام روش منجر به دموکراسی و شایسته‌سالاری می‌گردد و کدام روش منجر به انسداد و انتخاب شائبه‌دار و غیر شفاف می‌گردد که راه را برای انتصاب فردی غیربومی مهیا می‌نماید. اگر شعار دموکراسی می‌دهیم ابتدا باید آن را درون خودمان نهادینه کنیم تا دموکراسی در حد شعار باقی نماند. و سخن پایانی آنکه، استاندار برآیند این شورا بدون شک کیفیت عملکرد بهتری خواهد داشت توسعه سطح ارتباطات بر پایه اعتماد و ضریب اطمینان بالا میان نخبگان و سیاسیون منجر به افزایش سطح اتکالی به استاندار می‌شود که این امر رضایت کل استان را در پی خواهد داشت. این امر در بلندمدت منجر به افزایش اعتبار استاندار در استان تحت امر خود شده و شرایط عملکردی مطلوب‌تر را برایش به همراه خواهد آورد.

فعال سیاسی اجتماعی

به اجماع می‌رسیدند و بعضا افراد به دلیل قربایت و نوع نگرش فکری نزدیک تر به آن محفل یا لابی قوی تر و یا ملاک قومیت می‌توانست نظر آن جمع را بدست آورد. روش دوم مجمع نمایندگان استان در جهت قدرت بیشتر تلاش می‌کردند از افراد نزدیک به خود به چند گزینه رسیده و آنها را به وزیر کشور پیشنهاد می‌دادند، خروجی چنین روشی نشان داده باعث انتخاب استاندار غیربومی می‌گردد که عملکرد مثبتی ارزیابی نگردیده است و مردم از آن راضی نبوده‌اند. حال با توجه به توصیه رهبری به نمایندگان مبنی بر عدم دخالت در انتصابات و همسو نبودن نمایندگان استان با دولت دکتر پزشکیان از این حیث مجمع نمایندگان نمی‌توانند مانور زیادی دهند. دکتر پزشکیان با اعتقاد به نظرات کارشناسی، شورای راهبردی برای انتخاب وزرا را برای اولین بار در کشور اجرا نمودند. این موضوع نمود واقعی اراده در جهت تحقق دموکراسی در کشور می‌باشد که در گذشته این تجربه وجود نداشته و قطعا نقاط قوت آن بیشتر از نقاط ضعفش می‌باشد. ستاد دکتر پزشکیان در گلستان در راستای ادامه روش شورای راهبردی کشور و همسو با دیگر استانها که این نوع روش را برگزیدند شروع به فعالیت نمود. در این مدل با دعوت از چهره‌های صاحب نفوذ، رؤسای دیگر ستادهای استانی، چند رئیس ستادهای شهرستان‌ها باری‌گیری، نماینده‌های احزاب اصلاح طلب که توسط احزاب معرفی گردیده‌اند، استاندار سابق و چندین نماینده از گروه‌های مختلف شورایی را تشکیل دادند که از سلاقی مختلف در آن وجود داشت. و با بررسی گزینه‌های استانداری که براساس سازوکار مشخص و شفاف و کسب امتیازات کمی و کیفی به ۵ گزینه نهایی رسیدند. تا این مرحله از کار می‌توان دید همه گزینه‌ها با نظر و امتیاز مستقیم اعضا حاضر در شورا انتخاب شده‌اند زیرا هر یک دارای سلاقی و نماینده گروهی از درون گفتمان اصلاح طلبی بوده که امتیاز داده‌اند. این حرکت دقیقا در راستای دموکراسی بوده است

حاکمیت دموکراسی در انتخاب استاندار گلستان



رامین آدریون

اینروزها بیش از هر چیز موضوع انتخاب استاندار نقل محافل گردیده و در این نوشتار می‌خواهیم جهت روشنگری مردم قلم بزنیم. در ابتدا روش‌های انتخاب استاندار در گذشته را بررسی می‌کنیم. معمولا بعد از پیروزی یک جریان سیاسی در همه استان‌ها جلساتی به صورت محفلی و محدود تشکیل می‌گردد و بدون شاخصها و ملاک‌های شفاف از میان تعداد محدودی از گزینه‌ها بر روی یک یا دوفتر

# قطعی برق بلای جان پنبه کاران



مهران موذنی- رئیس مؤسسه تحقیقات پنبه کشور در خصوص کاهش سطح زیرکشت پنبه گفت: قطع مکرر برق چاه‌های کشاورزی و مشکلات آبی در پی آن، اصلی‌ترین علت کاهش سطح زیرکشت پنبه در کشور بوده است. قربان قربانی نصرآباد، در یک نشست خبری به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی، از کاهش سطح زیرکشت پنبه در کشور خبر داد و گفت: در سال ۱۴۰۳ سطح زیرکشت پنبه کشور ۸۵ هزار هکتار است که برآورد می‌شود ۳۳۰ هزار تن و ش پنبه و ۷۰ هزار تن الیاف به همراه داشته باشد. وی افزود: این در حالی است که این رقم در سال ۱۴۰۲ حدود ۹۲ هزار هکتار بود که ۳۷۰ هزار تن و ش پنبه و ۷۵ هزار تن الیاف به بار آورد. در سال ۱۴۰۱ نیز که به علت قیمت مناسب پنبه، جهش خوبی را تجربه کرده بودیم، سطح زیرکشت ۱۱۸ هزار هکتاری داشتیم که ۳۷۴ هزار تن و ش و ۱۰۵ هزار تن الیاف در پی داشت. قربانی نصرآباد ادامه داد: سطح زیرکشت پنبه استان گلستان نیز از ۱۵ هزار هکتار در سال گذشته به ۱۲ هزار هکتار رسیده. برآورد ما برداشت چیزی حدود ۲۵ هزار تن و ش پنبه است. رئیس مؤسسه تحقیقات پنبه عنوان کرد: سطح زیرکشت پنبه در کشور نوسانات زیادی داشته. در سال‌های اول انقلاب ۲۵۰ هزار هکتار سطح زیرکشت پنبه در کشور داشتیم که از این رقم، ۱۸۰ هزار هکتار به استان گلستان اختصاص داشت. اما برخی مسائل از قبیل سیاست‌گذاری قیمت و محصولات رقیب سبب کاهش کشت پنبه شد. وی درباره قطعی برق و مشکلات آبی به‌عنوان معضل اصلی کشت پنبه خاطر نشان کرد: هرگونه تنش آبی در مرحله گل‌دهی پنبه، کاهش عملکرد شدیدی را در پی دارد. امید می‌رود که مبلغی به‌عنوان خسارت به کشاورزان پرداخت شود. قربانی نصرآباد به تقلیل دوره رشد پنبه، به‌عنوان یکی از راهکارهای کاهش مصرف آب در کشت این محصول اشاره کرد و افزود: با کوتاه شدن دوره رشد، حدود دو نوبت در مصرف آب صرفه‌جویی می‌شود. با در نظر گرفتن این که در هر بار آب‌دهی با روش آبیاری سطحی، میانگین هزار و ۲۰۰ متر مکعب در هر هکتار آب مصرف دارد، چیزی حدود ۲ هزار و ۵۰۰ متر مکعب در هر هکتار صرفه‌جویی می‌شود. اگر سطح زیر کشت پنبه در کل کشور را ۱۰۰ هزار هکتار در نظر بگیریم، حدود ۲۰۰ میلیون متر مکعب آب صرفه‌جویی می‌شود. برای درک بهتر این مقدار، باید بگویم که ۲۰۰ میلیون متر مکعب معادل کل آب سد کرج است. وی در خصوص جایگاه ایران از

اهمیت‌های کشت پنبه یادآور شد: پنبه یک گیاه استراتژیک و صنعتی است که بیش از ۷۰ فرآورده از آن قابل استخراج است. اهمیت راهبردی پنبه از این جهت است که هر ۴ هکتار کشت آن ۱ شغل مستقیم و ۵ شغل در صنایع جانبی ایجاد می‌کند. پنبه به دلیل ریشه‌های عمیقش مواد آلی خاک را تامین می‌کند. از این جهت، در تناوب با گندم، گیاه مهمی است. چرا که ریشه گندم سطحی است. در تناوب بودن این دو محصول، سبب افزایش عملکرد کشت هرودی آن‌ها می‌شود. وی افزود: همچنین یکی از الزامات اقتدار در هر کشوری امنیت غذایی است که از طریق تولید پایدار محصولات کشاورزی به دست می‌آید. بخشی از پنبه به تولید روغن اختصاص می‌یابد که از کالاهای ضروری تأمین امنیت غذایی است. شایان به ذکر است که این نشست همراه بود با بیست و پنجمین تور رسانه‌ای دانش‌بنیان سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. همچنین گفتنی است این جلسه که قطعی برق و تبعاتش محوریت آن بود، خود در زمان قطعی برق برگزار شد.

نظر افزایش عملکرد در کشت پنبه گفت: در ۶۰ سال گذشته، سالانه حدود ۳۱ کیلوگرم افزایش عملکرد داشتیم. این در حالی است که میانگین افزایش عملکرد کشورهای دنیا ۲۳ کیلوگرم در سال است. رئیس مؤسسه تحقیقات پنبه با اشاره به معضل قیمت‌گذاری عنوان کرد: مسئله دیگری که وجود دارد، ناپایداری سطح زیرکشت است. این مسئله که به سیاست قیمت‌گذاری پنبه باز می‌گردد، از ثبات برخوردار نیست و تناسبی با رشد قیمت جهانی سایر محصولات ندارد. اگر قیمت پنبه رشد مناسبی داشته باشد و نسبت به دیگر محصولات بهتر قیمت‌گذاری شود، کشاورزان بدون در نظر گرفتن هیچ تسهیلاتی به کشت پنبه روی می‌آورند. قربان نصرآباد انتقال دانش به کشاورزان را از دستاوردهای مؤسسه تحقیقات پنبه دانست و اظهار داشت: یکی از مسائل امروز ما انتقال دانش به کشاورزان است. در همین راستا، مزارع الگویی را در ۱۵ کشور استان ایجاد کردیم تا با بازدید کشاورزان از این مزارع، ضریب نفوذ دانش ارتقا یابد. رئیس مؤسسه تحقیقات پنبه درباره



اژدها هفت سرش ترس، هشت سرش خنده دارد

# پیر مردها نمی میرند



علی درزی

پیرمردها:

معنای پیرمرد در این فیلم چیست؟ پیری بیشتر از اینکه متضاد جوانی باشد، مترادف مرگ است. البته که معنای مرگ به مفهوم جوانی و زندگی معنا می دهد. مرگ تنها مطلق محض زندگی در دل خود رعب و وحشتی دیرینه دارد. از اولین روزی که اولین انسان مرد و انسان بعدی با مرگ آن مواجه شد، ترسی به بلندای عمر تاریخ بشر در ذهنش جای گرفت. اروین دیالوم هم یکی از مهمترین سائقها را ترس از مرگ تعریف می کند، یالوم یک جورهایی مسبب اصلی تمام ناکامی های زندگی و درست زیستن را همین ترس از مرگ می داند و زندگی واقعی را از آن کسانی می داند که تجربه های نزدیک به مرگ را واقعا با پوست و گوشت خود تجربه کرده اند و نمرده اند. گویا آنها بعد از آن حادثه تازه مفهوم زندگی را دریافته اند. اسم فیلم و شخصیت های اصلی و فرعی در فیلم پیرمردها عزب قلی هستند که در مجموع روی هم نیمی از هزاره عمر دارند، شکل و قیافه و زندگی شان مفهومی جز مردن را تداعی نمی کند.

نمی میرند:

نمردن فعلی است جز برای فانتریها و اخلاقیات کارایی ندارد، (مثلا یقینا مرد می میرد ولی مرد نکونام نمیرد) چون نظم طبیعت بر هم می خورد، مرگ باید باشد تا زایایی معنا پیدا کند، پس استفاده از فعل نمردن برای چیزی که مرگش مطلق است، بیشتر از اینکه تناقض باشد هجو است. هجوی که زادهی نهایت ترس است. در خاطرات خود کارگردان آمده که همواره خواب پرتاب شدن از ارتفاع و غرق شدن او را از خواب می پرانده و ساعت ها از ترس مواجه نشدن با مرگ (نمردن) بیدار می مانده! این ترس سالها با او بوده تا اینکه در این فیلم ثمر داد. بعضی از اسمها و افعال خودشان تکذیبیه ای بر خود هستند، مثلا نامیدنی ساموئل بکت، اسم کتابش همان اول مخاطب را به فکر می اندازد، این چه نامی بر کتاب است که نامش نامیدنی است! ترکیب پیرمرد و نمردن، هجویه ای بر ترس دور و دراز کارگردان است که دستمایه ی فیلم قرار گرفته. فضا و داستان فیلم در روستایی می گذرد که به لحاظ زیبایی بصری نمایش داده شده چیزی کمتر از بهشت ندارد، یعنی اگر موضوع فیلم را ندانی، تصاویر و قاب های به تصویر درآمده شبیه به یک تبلیغات جذاب گردشگری ست. شخصیت اصلی فیلم اصلان، مامور اعدام بوده که در گذشته، یاغیان و بزهداران اجتماعی را به دار می آویخته و از ترس جانش بعد از بازنشستگی به این روستا پناه آورده. او برحسب وظیفه ی شغلی اش، پدر خودش که در منازعه ای، یکی (یکی از شرورهای روستایشان) را کشته بود، به دار می آویزد، مادرش بعد از شنیدن این خبر سگته می کند و می میرد، خودش هم بعد از مدتی سگته می کند ولی نمی میرد! اصلان معتقد است بعد از آن سگته، عزرائیل او را فراموش کرده و این فراموشی گویا گردن تک تک اهالی روستا را گرفته و مرگ از این روستا رخت بر بسته! حالا معضل چیست، چرا نمی میریم؟! اصلان مانند نخاله ی کلاس که همه همکلاسی هایش را شریک کارهای بلش می کند، همه ی دوستانش را به این فکر می اندازد که واقعا چرا نمی میرند. چرا مرگ این روستا را فراموش کرده! بعضی از دوستان بی عشقی را دلیل اصلی این مصیبت می دانند، آن ها که تا به امروز مجرد مانده اند، خود را محق این مصیبت می دانند.

به راستی ایده فیلم شگفت انگیز نیست؟

در مظان مقایسه مثال های زیادی در سینما و ادبیات وجود دارد، از شخصیت فیلم رستگاری در شاونسنگ گرفته تا همه می میرند سیمون دوبوار جنبه های گوناگون بی مرگی را مورد بررسی قرار داده اند. اما نگاه پیرمردها نمی میرند برای خودش معرکه ای است. تاثیر کارگردان از کیارستمی که خودش هم به آن اذعان دارد جالب است. کیارستمی در فیلم باد ما را خواهد برد، گروهی مستند ساز را راهی روستایی می کند تا از مراسم جذاب عزاداری اهالی مستندی بسازند، قبل از هر چیزی احتیاج به مرده دارند. آن ها به روستا می آیند و منتظر مرگ پیرزنی رو به احتضارند تا بتوانند مستندشان را فیلمبرداری کنند. این موقعیت فیلم کیارستمی، چندین بار در فیلم پیرمردها نمی میرند به وجود می آید. نظریه ی تکرار دوبار زیستن انسان در زندگی هم می تواند بیانگر منطق هجو فیلم باشد. تکراری که بار اولش تراژدیست و بار دومش کمدی (طنز)! مواجهه مدام با مرگ یا هر ترس دیگری، مانند دیدن اژدهایی است که هر بار یک سر به سرهایشان اضافه می شود، ولی یک قانون از پیش نوشته را نباید فراموش کنیم! انسان ها با توجه به آستانه تحملی که در توان جسم و ذهنشان هست، تا حدی مشخص شده، می توانند ترس را تحمل کنند، ترس یا همان تعداد سرهای اژدها که از یک حلی می گذرد، ذهن، ترس را می شکند. انگار در زندگی دوباره آن موقعیت دهشتناک را به طنزی تلخ بدل می کند و از اژدهای هشت سر مارمولکی مسخره می سازد. فیلم روی نخ باریک طنز و تراژدی با احتیاط گام می بردارد و تا جایی که می تواند سعی بر حفظ تعادل دارد. و اما چه چیزی می تواند بر بی مرگی غلبه کند؟ عشق یا تولد؟ مانند هر درام ارسطویی، ورق برمی گردد و شخصیت ها دوباره عاشق زندگی می شوند یا بهتر است بگوییم، دوباره از مرگ می ترسند.

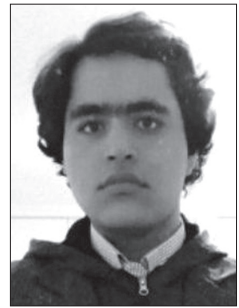
پانویس:

۱. طنز و ترس فاکتورهای دشواری هستند که هرکدامشان برای به وجود آمدن، می بایست ابتدا به ساکن در اتمسفر فیلم به وجود بیایند، چیزی که سینمای ما در ژانر کمدی و ترس از آن محروم مانده! برای مثال یکی از موقعیت های طنز جالبی که در پی بی مرگی فیلم ساخته شده این است که: یکی از آن پنج نفر گورکن و مسئول رتق و فتق امور مردگان است که تقریبا به گدایی افتاده و از آدم های مریض رو به احتضار برای کفن و دفنشان پیش پول دریافت می کند اما، دریغ از یک ذره مرگ. ۲. به فضای زیبای فیلم دقت کنید، این زیبایی و پاکی طبیعت به لحاظ مفهوم و معنا کارکردش را از دست می دهد، بی مرگی حتی مفهوم زیبایی را هم به چالش می کشد، در میان طنز و هجویه های فیلم، کمترین چیزی که به چشم می آید همین ارتفاعات بلند مه آلود و سرسبز یا حوضچه ی آبگرمش است.



# سینمای جهان / صدای متال

## آیا اصلاً کر شدن اهمیتی دارد؟



محمد صالح فصیحی

### نویز

زندگی نویز است. بهش فکر کرده اید؟ عجیب نیست؟ دو جور میشود بهش نگاه کرد: یکی اینکه زندگی به ماهو زندگی نویز باشد. آلودگی صوتی باشد، سیگنالی باشد با اثر مخرب یا نامطلوب. چیزی باشد مثل اختلال. چیزی باشد که نگذارد آن اصل و حقیقت را بفهمید و بشنوید. به این ترتیب، زندگی واقعی میشود چیزی دیگر اصلاً اگر زندگی ای وجود داشته باشد - و زندگی فعلی میشود آن نویز و اختلال. یکی دیگر اینکه زندگی نویز است برای انسان و زیستنش. یعنی چه؟ درین مفهوم ما باید از زندگی، معنایی مجازی برداشت کنیم. زندگی را مجاز بگیریم از سروصدا، از آشوب، از غریبگی، از هرج و مرج، از عامیانه‌گی و شکل همگان بودن، از مصرف گرایی، از همیشه در لحظه بودن و سگ دو زدن؛ اگر همچین معنی مجازی ای بگیریم از زندگی، آن وقت این معنای مجازی مساوی میشود با نویز. با اختلال. به شکلی که جمله ی ما، جمله ای موجه است. موضوعش میشود زندگی با تمام معانی ممکن مجازیش و محمول میشود نویز، و نسبت هم، است، هستش. طوری که اگر بخواهیم بگوییم زندگی چیست، میگوییم نویز است. و میشود دیگر زندگی هم نگفت و گفت نویز. حالا از برداشتی مجازی و نیز تشبیه درون جمله (که میگوید زندگی (مانند) نویز است) گذر میکنیم و میرسیم به استعاره: نویز.

### من کرم!

روین مرد جوانی است که درامز میزند. با نامزدش - لو - یک گروه متال دارند که لو خواننده اش است و گیتار میزند و او هم درامزش را. از جایی به بعد که ما میدانیم کجا، اما نمیدانیم چگونه و چرا روین دیگر گوش هاش نمیشنود. تصور کنید زندگی جهان کسی را که با هیاهوی تیز و سیال درامز همراه بوده و حالا نمی شنود دیگر. به هیچ وجه نمی شنود. روین داغان میشود. انگار که جهان را ازش گرفته باشی. انگار که از خواننده ای زاناش را بگیرد و از نویسنده ای دستش را و از بازیگری صورتش را و از فوتبالیستی، پاهایش را. برای نوازنده، شنیدن و موسیقی بی راه نیست اگر بگوییم که تمام دنیای او را تشکیل میدهد. در دنیای تو ساعت چند است؟ در دنیای من ساعت ریتیم است، ساعت هارمونی است، ساعت ملودی است، ساعت رپ است و پاپ است و متال. راک است و جز است و هیپ هاپ. حالا من نمیشنوم. کرم من.

### روین میرود

روین با اجبار لو، به مرکزی میرود که تحت حمایت کلیساست و مختص افراد ناشنواست. چرا میرود به این مرکز؟ چون عمل جراحی گوش های او و ایمپلنت گذاشتن برایش، مبلغ خیلی زیادی را ازش میگیرد و این برای روین و لو که در یک ون زندگی میکنند، پول خیلی زیادی است. اما مرکز کلیسا، رایگان است و خدایاشکر کلیسا آنقدر به پدر و پسر و روح القدس ارادت دارد که کاری به دین و ایمان مردمان ندارد و حتی روینی را که مذهبی نیست و از سر تا پاش تنو میبارد، به خود میپزد. چقدر لطف، چقدر مهر و محبت! ما لرد، ما لرد، ما لرد، جیز، جیز، جیز، آسمانی ما، ماچ بهت! درین مرکز سعی میکنند که افراد را نه درمان، بلکه به زندگی ناشنویانه خو بدهند. کمکشان کنند که زبان اشاره یاد بگیرند، که از دیگر حواس خود استفاده کنند و آنها را پرورش دهند، که جای شنیدن و گفتن، بنویسند، دیگر اگر گوش تعطیل شده، عضو مکملش هم حذف میشود: زبان ممنوع. اینجا

سوالی پیش میآید و آن رویکرد کلیساست به مشکلات جسمانی. اگر همانطور که زندگی را معنا کردیم در بخش اول، کلیسا را تعمیم دهیم به دین - یا اقلاً مسیحیت آن موقع مسیحیت دینی نیست که پایش را از زمین بریده و برای انسانی که در تکاپوی یک هزینه ی جراحی است، دست گرمش را روانه میکند که بیا و بنشین و اگر کر شدی، دیگر مهم نیست و ولش کن دیگر؟ چیزی مثل قبول صددرصدی قسمت و تقدیر. و اگر او-کلیسا کمک میکند به ناشنوا و خرج خورد و خوراک و محل زندگی اش را میدهد و کاری میکند که با این زندگی جدید خو بگیرد، آیا این جدا کردن انسان از مجامع انسانی، و تلاش نکردن برای رفع مشکل فعلی انسان و عدم توانایی یا نخواستن توانایی، مساوی نیست با افیون بودن دین-مسیحیت؟ به نوشدارویی که حتی بعد از مرگ هم بهش نمیرسد؟ که اگر میخواهید به منی که دارم کر میشوم کمک کنید، خب همان هزینه ی خواب و خورد و خوراکم را بدهید تا عمل کنم گوش هایم را. دیگر این بازی ها دیگر چیست. منطقی نیست؟ روین مدتی درین مرکز میماند و بعد که ماشین-ونش را میفرودشد و وسایل موسیقی شان را هم میفرودشد، یک روز از مرکز میزند بیرون و وقت میگیرد برای عمل و بعد هم عمل میکند خودش را. اما وقتی برمیگردد دیگر مرکز راهش نمی دهد. میگوید اینجا برای کسانی است که پذیرفته اند و قبول کرده اند نه کسانی که همچو کار-کارهایی را میکنند. متاسفیم. باید بروید. و روین میرود.

### آیا اصلاً کر شدن اهمیتی دارد؟

روین عمل میکند گوش هایش را و با اینکه این شنیدن با قطعی و نویز همراه است ولی بالاخره باز شنوایی به دست آورده او. زندگی روین میشود این: شنوایی/ناشنوایی/ شنوایی. که اگر بخواهیم با فرمول هالیوودی اش بنویسیم اش، میشود مساوی نظم/ آشفتگی/نظم. معمولاً میزان تأثیری-احساسی و نیز زمانی آشفتگی بیشتر از دیگر بخش هاست. این آشفتگی - یا برای فیلم ما، ناشنوایی امری است که زندگی شخص-اشخاص را میتواند به قبل و بعد از خودش تقسیم کند. طوری که نه فقط پیوستار سه گانه، بلکه حتی برای نظم باز یافته ی شخصیت-پیرنگ هم، تغییرات دقیق و یا عمیقی پیش آمده باشد که بالکل همه چیز را با آن نظم اولیه متفاوت کرده باشد. با این وجود ما کسی را داریم به اسم روین، درامز میزند، سی و چندساله است، مذهبی نیست، مادرش پرستار ارتش بوده و به واسطه ی همین شغل مادرش - احتمالاً - سحرخیزست و نیز پدرش معلوم نیست که کیست، مدتی معتاد بوده به مواد و خصوصاً هروئین ولی الان چهارسال است که ترک کرده - و دقیقاً چهارسال است که با لو در رابطه است - و تنو زیاد دارد، لاغرست، آدم گرم و پرشوری است، وضع مالی خوبی هم ندارد، اهل دعوا یا فحش و بدویاره نیست و نیز متعهد هست به رابطه اش. این نظم اولیه است. در آشفتگی-ناشنوایی او کر میشود و حالا لو ترکش میکند تا او مجبور شود برود به آن مرکز رایگان، حالا دیگر درامز و موسیقی بالکل تعطیل شده، وضع مالی هم اگر برود به مرکز - که میرود البته - همچنان بد میماند. با این وجود به جز تغییرات ظاهری زندگی روین، چه چیزی در زندگی او عوض شده؟ او کر شده، قبول. اما نهایتاً ده دقیقه-یک ربع برای بیمارستان و پزشک و جراحی ما صحنه داریم و یا حتی صحبت درباره اش؛ پس: خط داستانی درباره مشکلات پزشکی چه از سمت روین و چه از سمت بیمارستان چه برای درد و چه برای هزینه و بیمه و باقی این موارد حذف میشود. به یک دلیل ساده: چون مانور نداده فیلم اصلاً روش. از آن سو زندگی اش با لو در حد دوسه دیده بوسی میماند و اگر قرارست ما رابطه ای را مجسم کنیم، باید خودمان - از سمت ذهنیت-تجربه ی خودمان یا شنیده-دیده هامان - به آن ها حواله دهیم تا بشود از رابطه شان برای خودمان رابطه و احساس بسازیم. و الا چند دست دیده بوسی که نمیشود یک رابطه ی چهارساله. شاید نهایت کاری که برای رابطه انجام میشود، تصمیم بیکهویی لوست به رفتن به فرانسه پیش پدرش، تا روین مجبور شود برود به آن مرکز. با این وجود هم تصمیم لو به رفتن، به علت بیکهویی بودن، برای خود لو، توجیهی ندارد. یک سمتش عشق اوست به روین، یک سمتش اجرای تکی را اجرا کردن است، باقیش چه؟ این یک. دو اینکه این مورد، کنار علت نامعلوم کرشدن روین، نقص منطقی دیگر داستانش است. اما درست میشود همین جا صبر کرد و رسید به سوال مهمتر: آیا اصلاً کرشدن اهمیتی دارد؟

### در ظاهر و معنا

شاید برخی از حواس های انسان باشد که اگر نباشد، انسان باز زنده بماند ولی



بودن آن، وضعیت بهتری را برایش خلق کند: مانند شنوایی. انسانی که نمیشنود، همچنان انسان است، اما با کمی نقص. آیا درست است بگوییم نقص، وقتی که مثلاً همه ی انسان های سالم توانایی شنوایی را داشته اند؟ اگر انسان به کلی نیاز به شنوایی نداشت آن موقع چه میشد؟ از چه ویژگی هایی محروم میشد و از چه قابلیت هایی؟ و آن قابلیت ها، چه تأثیری میگذاشتند رو او و زندگی او؟ نه، این همچنان مادی-ظاهری است. باید برویم به درون. به درون روین. روین در نظم اولیه صداها را میشنود و این صداها او را با زندگی عادی-روزمره ی مردم پیوند میدهد. او میشود بخشی از همان ها. چون عین آن هاست. همان چیز-چیزهایی را دارد که آن ها هم دارند. هرنگ هرنگ. اما در آشفتگی-ناشنوایی او به چیز خاصی نمیرسد در فیلم. شاید چند چیز خیلی کوچک و اندک، مانند یک اجرا رفتن لو بدون روین، و پس زدن مرکز او را، بعد عمل، که این دو علت، منتهی شوند به معلول کات کردن با لو بدون اینکه حتی به لو بگوید، و یا پذیرفتن حلالی خودخواسته ی ناشنوایی، بعد از به دست آوردن شنوایی و عمل موفق ایمپلنت. چرا این دو مورد را کوچک میگوییم؟ چون بخش اعظم فیلم در مرکزست و این خط اصلی داستان است و او مشغول تمارین مرکزست و یا در خودش فرورفته، ولی این تمارین و این درخودفرورفتن ها، نتیجه ی احساسی-منطقی زیادی ندارد. کات با لو میتواند بعد همان اجرای تکی لو هم باشد. قبول ناشنوایی میتواند ایده اش از حرف زدن با مسئول مرکز آمده باشد. اما مهم این ایده نیست، مهم آن سیر و فرایندی است که روین میرسد به کات، که میرسد به اینکه من روین با وجود کلی هزینه برای جراحی کردن، الان دیگر نمیخواهم بشنوم، که مثلاً میخواهم زندگی دیگری آغاز کنم. من میتوانم همانطور که در بالاتر از ظاهری-مادی گفتم، این کرشدن را حتی خیلی عمیقتر-معنوی تر کنم و پیش ببرم و تنهایی او را حالات متعالی ای از فهم و درک نشان دهم به شکلی که این ایده ی زندگی نویز است در دو معنایی که در بخش اول گفتم، طوری نشان داده شود که انگار برای روین و در روین اتفاق افتاده، ولی خب نه. من دوست داشتم که کر شدن ظاهری به کر شدن باطنی، متفاوت شدن ظاهری به متفاوت شدن باطنی برسد. از ماده برسد به معنا. به همان شعار-نوشته ی رو پوستر فیلم، که: زندگی نویز است. ولی خب حرف من فیلم را تغییر نمیدهد. فیلم صحنه بنای خوبی دارد، ایده ی خوبی هم، اصلاً هم کند نیست و دقیق سکانس بنای شده، ولی سیر پیرنگ و شخصیتش، طبق مواردی که در بالا گفتم، ایراد دارد. میتوانست خیلی بهتر باشد در ظاهر و معنانش.





# صدای مخاطبان گلشن مهر

۱ سلام و ارادت. واقعیت اینه که مناظره یعنی تبادل نظر و گفتگو با استدلال و برهان و قاعدا در چارچوب اخلاق و اصول اما متأسفانه واژه مناظره در ادبیات سیاسی ایران بویژه بعد از مناظرات سال ۸۸ تغییر ماهیت داده و تصورات و ذهنیت مردم نسبت به آن تغییر کرده است. در حال حاضر مناظره یعنی آوردن دلیل اعم از منطقی و غیر منطقی برای تخطئه کردن افراد و شخصیت ها که گاه از حد توهین و تخریب هم می گذرد و باعث له شدن شخصیت افراد می شود و متأسفانه خیلی هم طرفدار دارد. این گونه مناظرات و در نهایت اینکه اصل هر چیزی خوبه ولی ما از معنا تهی اش می کنیم.

## مرسی از دغدغه جنابعالی و روزنامه گلشن مهر



۲ سلام و خلاقیت. چقدر این متن درباره رویا فروشی قوی و تخصصی نوشته شده عالی بود. البته در برخی از آمارها و نقل قول های ارائه شده نظر دارم اما خیلی خوب بود. آفرین یعنی کلاس متن، در حد دکتر نیلی و غضنفری و ... است. قلمی شیوه، تحلیلی درست مبتنی بر آمار و ارقام واقعی. اینه ای شفاف پیش روی رویا فروشان خوش باورانش



۳ این تلقی که «باید جامعه را به سوی فلاح هدایت کنند» نگرشی خطرآفرین در تاریخ بوده. مسئله اساسی در نسبت آزادی و امنیت و ثبات و نقش دولت، پرشمی بنیادین در باب ماهیت دولت هست: آیا دولت وظیفه بهروزی و هدایت شهروندان را دارد یا کنار زدن موانع بر سر راه سعادت فردی؟ پاسخ به این پرسش به دو نوع رویکرد بنیادین منجر شده.



۴ به اعتقاد من مهمترین خصیصه استانداران نه داشتن مدرک است نه سوابق سیاسی و انقلابی. فقط باید دارای بینش باشد. بینش محرومیت زدایی از این استان. باید کشاورزی نوین گسترش یابد و کشاورزان و باغداران حمایت شوند. گردشگری باید نهادینه شود، دیوار دفاعی گرگان ثبت جهانی گردد، شهرها آباد شوند، در روستاها سالنهای ورزشی احداث گردد، صنایع تبدیلی ایجاد گردد تا ضایعات کشاورزی و باغی کم شود و... تاکنون استاندار دلسوزی در این استان ظهور نکرده و فقط به فکر منافع خویش بودند و رفته اند. حیف از این استان پر پتانسیل ولی بی بهره از دلش و درآمدسرانه



۵ سلام کاش آمار فضای آموزشی گلستان را هم می نوشتید. چیزی حدود ۲۸۰۰۰ مقطع متوسطه اول و دوم و سه هزار کودک ابتدایی بازمانده اند. این آمار رسمی، غیر رسمی خیلی بیشتر از اینهاست و این که این آمار کودکان ایرانی به غیر افغان ها در استان است من در حوزه بازمانده از تحصیل خلعت میکنم و این کودکان یکی از دغدغه های من هستند.



۶ سلام و درود. متأسفانه دولت مردان دولت سیزدهم همه چیز را رو به پیشرفت جلوه میدهند. با آمار و ارقام بی اساس اعلام میکنند وضعیت اسف باری را به حالت عالی تغییر دادند ولی مردم شرایط بسیار وخیم و غیرقابل تحملی را حس می کنند.



۷ سلام و درود. ساختارستادمرکزی آقای پزشکیان در استان تلفیقی از نخبگان جریان اصلاح طلبی بود البته میتوان گفت بطورقطع نواقصی در ترکیب وجود داشته لیکن شیوه عمل و عملکرد قابل قبولی ارائه شده است و در فرایند تعیین گزینه پیشنهادی استاندار علیرغم برخورداری از شیوه صحیح اما برخی از انتظارات ناپایده گرفته شد از جمله عدم حضور روسای ستاد غرب استان در شورای راهبردی و بانوان. همچنین کم رنگ بودن بچه های روستا در ساختار ستاد و شورا، در مجموع اقدامات ستاد مرکزی قابل تقدیر میباشد.

۸ سلام، عبور از کوتوله های سیاسی، موجز، خواندنی و واقع بینانه بود.



۹ علاوه بر دیوار گرگان به صدور مجوزهای نایخردانه عده ای تهی مغز سودجو برای برافراشتن ستونهای سیمانی اپارتمانها که هوارا از مردم بیچاره می گیرد توجه شود شاید مهمترین باشد.

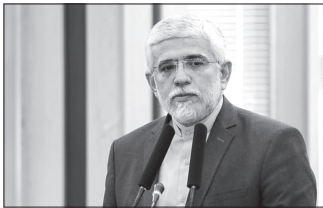
۱۰ عیسی وحلدانی سلام بسیار عالی و سپاس فراوان برای تمامی زحماتی که در راستای اعتلای فرهنگی، اجتماعی و هنری و... استان متحمل می شوید.

۱۱ سلام و درود و سپاس از نشریه وزین گلشن مهر که توجه ویژه به میراث تاریخی و جهانی در معرفی آن به مردم استان و کشور همت نموده است. زمانیکه در سازمان کشاورزی استان شاغل بودم درسرکشی مزارع و عبور از روستاها گاه دیدم میشد روستاییان مجاورت دیوارگرگان خشت و آجر آنرا را برای خانه سازی و دیوارهای اطراف محل سکونت از محل اصلی جدا کرده و نادانسته مسبب تخریب بخشی از دیوارگرگان بودند. خوشحالیم در چند دهه اخیر مسئولین کشوری و استانی متخصصین و متولیان امر هم درک شفت نقاط پنهان دیوار وهم در جهت ثبت تاریخی در تلاش هستند.

۱۲ سلام دیوارگرگان در حد آمایش استان لحاظ شده و هیچگونه کاربری تاثیرگذار بر آن در یک دوره فاصله ضربه گیر گرفته نشده است. سپاس - دکتر سلمان ماهینی

## خبر

### اعتماد دستگاهها و بانکها به تعاونیها افزایش یابد



استاندار گلستان، فرهنگ سازی برای توسعه تعاونیها در جامعه و دستگاههای اجرایی را امری ضروری دانست و گفت: میزان اعتماد دستگاههای اجرایی و بانکها به تعاونیها باید افزایش یابد. به گزارش روابط عمومی، علی محمد زنگانه در نوزدهمین جشنواره تعاونیهای برتر گلستان با طرح این موضوع که آیا سوق منابع بانکی به سمت تعاونیها توجیه دارد و ریسک است و یا آن را وظیفه تلقی می کنند، توضیح داد: در راستای پیشرفت عدالت محور اعطای تسهیلات بانکی در گلستان با اولویت مناطق کمتر برخوردار توزیع شد. وی افزود: تلاش کردیم وضعیت مناطقی که در گذشته میزان بهره مندی آنها از تسهیلات بانکی کمتر بود تغییر کند لذا ۵۰ درصد تسهیلات بانکی استان گلستان به مناطق کمتر برخوردار اختصاص یافت که در مقایسه با گذشته قابل تقدیر است. استاندار گلستان با بیان اینکه اهتمام ویژه دستگاههای اجرایی به امر مهم برنامه و سندهای توسعه ای موضوع دیگری است که باید مورد توجه باشد، افزود: سند توسعه تعاون نیز تدوین شده و چشم انداز و نقشه راه آن مشخص شده است، اهتمام دستگاهها به سند توسعه همواره یکی از مطالبات جدی ما بوده و امیدواریم به آن توجه داشته باشند. زنگانه، تعاونیها را رکن اقتصاد کشور و دموکراتیک ترین روش و عادلانه ترین الگو در اقتصاد دانست و یادآور شد: تعاونیها باید بیش از پیش در استان و کشور رونق بگیرند، تعاونیها در تعدیل قیمت ها و اصلاحات اقتصادی نقش آفرین هستند و باید اعتماد و اعتقاد به حوزه تعاون در جامعه ارتقا یابد. وی متذکر شد: نگاه تبعیض آمیزی که نسبت به فعالیت تعاونیها در مقایسه با سایر بخش های اقتصادی وجود دارد باید برداشته شود و دولت به سمت کاهش تسلی گیریها حرکت کند و یکی از بخش های مهم برای کاهش تسلی گیریها تقویت بخش تعاون است. استاندار گلستان به اعطای هفت هزار و ۴۱۰ میلیارد ریال تسهیلات بانکی به تعاونیهای گلستان در دولت قبل خبر داد و گفت: در دولت قبل، ۳۴۱ تعاونی جدید در گلستان ایجاد شده است. وی با اشاره به هدف گذاری ۵۰۰ میلیون دلاری صادرات استان گفت: در همین راستا در دولت قبل ۳۳۶ میلیون دلار صادرات در گلستان انجام شد که ۶۳ میلیون دلار آن سهم تعاونیها بوده و گلستان در این بخش جزو پنج استان برتر کشور است. زنگانه با اشاره به فعالیت ۴۳ تعاونی صادراتی استان اظهار کرد: صادرات گلستان در ۳۴ ماه به ۲ برابر افزایش یافته و سهم صادرات گلستان به ترکمنستان در کشور از زیر ۱۰ درصد به بالای ۲۵ درصد و به قزاقستان به بیش از ۴۵ درصد رسیده است. استاندار گلستان گفت: ۲۱ زنجیره ارزش در گلستان تعیین شده و از این تعداد پنج زنجیره ارزش در اولویت نخست قرار گرفتند و توصیه ما به تعاونیها، حرکت بر ملز زنجیره های ارزش است. به گفته وی؛ استان گلستان تنها استان دارای پژوهشگاه تعاون در درون دانشگاه است.



## راه اندازی دالان زنگرور دسترسی ایران

به اروپا از طریق خاک ارمنستان را برای همیشه قطع

خواهد کرد و از آن پس ایران به ناچار باید از خاک ترکیه

یا آذربایجان با اروپا اتصال پیدا کند و این مسئله در روابط

منطقه ای به ترکیه و آذربایجان دست بالا را می دهد

وضعیت باعث ارتقاء موقعیت ژئوپولیتیک ترکیه در منطقه و مآلاً اثرگذاری بیشتر بر تحولات غرب آسیا خواهد شد. مضاف بر آن کالا، مسافر و انرژی با هزینه کمتری بین ترکیه و آسیای میانه مبادله خواهد شد و بر عواید اقتصادی دولت ترکیه خواهد افزود. همچنین با عنایت به اینکه توریسم و گردشگری موتور پیشران اقتصاد ترکیه است دالان زنگرور از طریق اتصال ترکیه به چین به رونق این صنعت در ترکیه و افزایش درآمد این کشور خواهد انجامید.

**دالان زنگرور از منظر دولت روسیه:** قفقاز به صورت تاریخی در دو سده اخیر حیات خلوت روسیه بوده و در راهبرد منطقه ای آن جایگاه رفیعی دارد. بر همین اساس و وفق بند ۹ موافقتنامه صلح آذربایجان و ارمنستان چنانچه دالان زنگرور راه اندازی شود مسئولیت حفظ امنیت و مدیریت ورود و خروج کالا، مسافر و انرژی از آن بر عهده نیروهای نظامی روسیه مستقر در دالان است. حضور نیروهای نظامی روسیه در قفقاز بویژه در ترکیب با نیروهای حافظ صلح در خطوط درگیری ما بین آذربایجان و ارمنستان از یکسو و پایگاه نظامی روسیه مستقر در ارمنستان از سوی دیگر به روسیه موقعیت راهبردی بی بدیلی می دهد تا علاوه بر نظارت بر اقتصاد منطقه سیاست داخلی و خارجی این کشورها را نیز هدایت نماید و همچنان قفقاز را حیات خلوت خود نگاهدارد. علاوه بر این موارد دولت روسیه تحت عنوان هزینه مدیریت این دالان از دولتهای آذربایجان، ارمنستان و ترکیه به صورت مستقیم و از سایر کشورهای مسیر به صورت غیرمستقیم مبالغ هنگفتی درآمد کسب خواهد کرد.

**دالان زنگرور از منظر دولت آذربایجان:** آذربایجان که از طریق حمایت‌های ترکیه و مداخلات روسیه در دهه اخیر در رابطه با ارمنستان از اعتماد به نفس قابل توجهی برخوردار شده است تقویت موضع راهبردی خود را در پیوند با ترکیه، مدیریت روابط با روسیه و تنش زدایی با ایران می داند لذا برای برقراری موازنه بین این مراکز قدرت به ایجاد دالان زنگرور نیازمند است تا از طریق خاک نخجوان به فلات آنااتولی و از آنجا به اروپا اتصال یابد. این مسئله از وابستگی سنتی اقتصادی و سیاسی آذربایجان به روسیه و همچنین مسیر جایگزین بین آذربایجان و نخجوان از طریق ایران خواهد کاست و به این کشور اجازه خواهد داد به جز مسیر روسیه و ایران مسیر سومی را نیز پیش روی خود داشته باشد و از این طریق در هزینه های حمل و نقل خود صرفه جویی نماید. علاوه بر موارد فوق ایجاد دالان زنگرور برای آذربایجان جنبه نمادین نیز دارد لذا این کشور برای تثبیت پیروزی خود بر ارمنستان نیازمند راه اندازی این دالان است و اعلام کرده است در صورت لزوم به قوه قهریه نیز متوسل خواهد شد. با در نظر گرفتن همه این موارد درخصوص دالان زنگرور گویا در غرب آسیا دو محور در برابر هم قرار گرفته اند؛ محور مخالفان احداث دالان زنگرور شامل ایران و ارمنستان و محور موافقان آن شامل ترکیه و آذربایجان اما روسیه در میانه میدان ایستاده است و تأمین منافع ملی خود را در این برهه زمانی در موضع گیری شفاهی دوپهلوی اما تمایل عملی به محور ترکیه/ آذربایجان می بیند لذا به نظر می رسد تلاشهای ارمنستان برای پیشگیری از راه اندازی دالان زنگرور چندان به طول نینجامد و به مرور چهره ژئوپولیتیک منطقه تغییر یابد.

پژوهشگر دکترای علوم سیاسی

خارج از قلمرو جغرافیایی آن و بین سه کشور ایران در جنوب، ارمنستان در شمال و باریکه ای از قلمرو ترکیه در غرب محدود شده است. به عبارتی جمهوری خودمختار نخجوان برای برقراری هرگونه ارتباط و نقل و انتقال کالا و مسافر با سرزمین اصلی آذربایجان باید از قلمرو این سه کشور استفاده کند که در حال حاضر بویژه پس از جنگ قره باغ بین آذربایجان و ارمنستان در سال ۱۹۸۸ و درگیریهای جنگ ۴۴ روزه سال ۲۰۲۰ این ارتباط از طریق خاک ایران انجام می شود. در زمان شوروی سابق چند راه زمینی و ریلی وجود داشت که نخجوان را از قلمرو ارمنستان به آذربایجان متصل می کرد و همین سابقه تاریخی در بند ۹ توافقنامه صلح آذربایجان و ارمنستان نیز مورد تأکید قرار گرفته است اما تفسیر موسع از بند ۹ این توافقنامه توسط آذربایجان بحران جدیدی را در منطقه کلید زده است که بنا داریم در این یادداشت مختصراً به آن بپردازیم. بر اساس بند ۹ این توافقنامه: «کلیه فعالیت‌های اقتصادی و حمل و نقل در منطقه بلامانع است. جمهوری ارمنستان ایمنی ارتباطات حمل و نقل بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را به منظور سازماندهی حرکت بدون مانع شهروندان، وسایل نقلیه و بار در هر دو جهت تضمین می کند. کنترل حمل و نقل توسط ارگان‌های سرویس مرزی FSB روسیه انجام می شود. با توافق طرفین ساخت زیرساخت‌های جدیدی که جمهوری خودمختار نخجوان را با مناطق آذربایجان پیوند می دهد انجام می شود.» اما پیش از آغاز بحث لازم به یادآوری است که دالان زنگرور منطقه ای طبیعی در حاشیه شمالی مرز ایران با ارمنستان و آذربایجان است که ۴۱ کیلومتر طول دارد. از این ۴۱ کیلومتر ۳۶ کیلومتر آن در قلمرو ارمنستان و ۵ کیلومتر در قلمرو آذربایجان قرار دارد.

**دالان زنگرور از منظر حقوق بین الملل:** در حقوق بین الملل اصل بر ثبات مرزهاست. به عبارتی نگاه حقوق بین الملل به موضوع مرزها نگاهی واقع بینانه است بر همین اساس در صورت تغییر مرزها نیز باید چند شرط مورد توجه قرار گیرد. اولاً تغییر مرز یکطرفه و به معنی نادیده گرفتن استقلال سرزمینی یک کشور یا اشغال نباشد. ثانیاً با تراضی طرفین باشد یعنی هر کدام در بخشی از مرزها امتیازاتی به طرف مقابل بدهند و در مقابل امتیازاتی بگیرند. ثالثاً ژئوپولیتیک یک منطقه و صلح و ثبات جهانی را به خطر نیندازد. به نظر می رسد در بحران زنگرور هیچکدام از این سه شرط فراهم نیست لذا این مسئله می تواند به کانون بحرانی جدید در منطقه بحران خیز غرب آسیا تبدیل شود.

**دالان زنگرور از منظر ایران:** دولت جمهوری اسلامی ایران بارها به روشن ترین شکل ممکن و به صورت رسمی در همه سطوح سیاسی مخالفت خود را با راه اندازی این دالان مطرح کرده است، زیرا:

\* راه اندازی دالان زنگرور دسترسی ایران به اروپا از طریق خاک ارمنستان را برای همیشه قطع خواهد کرد و از آن پس ایران به ناچار باید از خاک ترکیه یا آذربایجان با اروپا اتصال پیدا کند و این مسئله در روابط منطقه ای به ترکیه و آذربایجان دست بالا را می دهد. اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می شود که بدانیم ترکیه عضو ناتو است و آذربایجان نیز با اسرائیل روابط راهبردی دارد. \* راه اندازی دالان زنگرور یعنی اتصال مستقیم چین و ۵ کشور آسیای میانه و آذربایجان به ترکیه و از آنجا به اروپا. به عبارتی به محض راه اندازی این دالان ایران از مسیر ترانزیت کالا، مسافر و انرژی بین آسیا و اروپا برای همیشه حذف خواهد شد و ضمن از دست دادن عواید اقتصادی سرشار حمل و نقل از مسیر ایران به حاشیه ژئوپولیتیک منطقه نیز رانده می شود و اثرگذاری آن بر تحولات منطقه کاهش می یابد. \* واگذاری مدیریت این دالان به نیروهای مسلح روسیه، ایران را نیز مانند آذربایجان و ارمنستان در مسیر وابستگی بیشتر به روسیه قرار خواهد داد اما تجربه روابط بین ایران و روسیه در سه دهه اخیر مؤید این واقعیت است که ایران باید روز به روز از وابستگی خود به دولت روسیه بکاهد لذا با راه اندازی این دالان مخالف است.

**دالان زنگرور از منظر دولت ترکیه:** حزب اسلامگرای عدالت و توسعه از زمان تصدی قدرت سیاسی در ترکیه رؤیای بازسازی امپراطوری عثمانی را در سر می پروراند لذا به عنوان نخستین گام بنا دارد جهان ترک زبان را با محوریت ترکیه راه اندازی کند و در این خصوص گام‌های بلندی نیز برداشته است. اتصال زمینی جمهوری آذربایجان به جمهوری خودمختار نخجوان که با ترکیه مرز زمینی دارد زمینه یکپارچگی ۴ کشور ترک زبان آسیای میانه شامل ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان و آذربایجان در قفقاز به ترکیه را تسهیل می کند. این

## دالان زنگرور و چهره جدید ژئوپولیتیک قفقاز



حسین دوست محمدی



**مقدمه:** قفقاز منطقه ای سوق الجیشی در غرب آسیا است که بین دو دریای سیاه و خزر در غرب و شرق و کشورهای روسیه در شمال و ایران و ترکیه در جنوب قرار دارد. قفقاز علاوه بر موقعیت راهبردی از منابع زیرزمینی سرشاری نیز برخوردار است لذا این منطقه برای قاره اروپا اهمیت مضاعفی یافته است. قفقاز به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده. در بخش شمالی جمهوریهای خودمختار عمدتاً مسلمان نشین روسیه قرار دارند مانند داغستان، چین، اینگوش و در بخش جنوبی سه کشور مستقل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان قرار دارند که هر کدام دارای یک یا چند جمهوری خودمختار نیز هستند. مثلاً آذربایجان علاوه بر سرزمین اصلی خود یک جمهوری خودمختار با نام نخجوان دارد که در